قصور شهرداری در انفجار کلینیک سینا

عضو هیأت‌رئیسه شورای شهر به دو قصور شهرداری در وقوع انفجار کلینیک سینا اظهار اشاره کرد.

زهرا نژادبهرام، عضو هیأت رئیسه شورای شهر تهران در گفت‌وگو با فارس، درباره وقوع کلینیک سینا اظهار کرد: پرونده این حادثه در کمیته ویژه‌ای که در شورای شهر تشکیل شده در حال بررسی است و منتظر نتیجه قطعی این کمیته برای تصمیم‌گیری هستیم. وی با اشاره به جمع‌آوری مدارک مربوط به این حادثه ازسوی کمیته ویژه شورای شهر گفت: به نظرم دو قصور مشخص توسط شهرداری در این زمینه وجود دارد؛ اجرا نکردن رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ و پیگیری نشدن تذکرها و اخطارها، دو قصوری است که شهرداری انجام داده و سبب این حادثه شده است. اگر شهرداری پاسخ قانع کننده ارائه ندهد، پرونده مراحل قانونی را طی خواهد کرد. به غیر از شهرداری پرونده این مسأله و قصور احتمالی وزارت کار و بهداشت نیز توسط مراجع ذی صلاح در حال بررسی بوده و مجلس هم پیگیر این قضیه است.

۵ سکانس تلخ از ماجرای قتل پسر ۹ ساله در مسیر عروسی

اشتباه کودک کشی

محمد غمخوار

حوادث

شلیک مرد برای کشتن سگ‌های بدون صاحب، در حوالی دماوند حادثه تلخی را رقم زد. گلوله شلیک شده به پسربچه‌ای که ترک موتور پدرش نشسته بود برخورد کرد و سینه‌اش را شکافت. با مرگ پسر ۹ ساله، پلیس مرد تیرانداز را شناسایی و دستگیر کرد.

سکانس اول

ابوالفضل لباس های پلو خوری‌اش را پوشید و جلوی آینه خودش را برانداز کرد و چرخی زد. یقه اش کمی خراب شده بود، آن را درست کرد و لایکی در آینه به خودش داد و مقابل در ایستاد تا پدر هم آماده شود. به آشپزخانه رفت و دستمالی برداشت و شروع به برق انداختن کفش هایش کرد. بعد از مدت ها خانه نشینی برای کرونا بالاخره جشن عروسی در میان طایفه به پا شده بود و می‌توانست دوباره با بچه های فامیل بازی کند.

کفش هایش را به پا کرد. چند بار پدر و مادرش را صدا کرد. «بیایید دیگه خسته شدم. شب شد. پس چرا لفتش می دید.» پدر با لباس هایی که موقع مهمانی می پوشید از اتاق بیرون آمد. نگاهی به پسرش انداخت. ابوالفضل برای خودش مردی شده بود. به میز چوبی کنار دستش چند ضربه زد و در حالی که کمربندش را می بست گفت: «هزارماشاا...، الان حرکت می کنیم. عجله نکن. به‌موقع‌می‌رسیم.»

پدر، ابوالفضل را روی باک موتور نشاند و راهی جشن عروسی شدند.

سکانس دوم

میلاد می خواست استراحت کند و صدای واق واق سگ ما در مقابل باغ کلافه‌اش کرده بود. چند وقتی می شد که اطراف ویلا، پاتوق سگ های ولگرد شده بود. چند بار دنبالشان کرده بود اما انگار بازی شان گرفته بود و بعد از بازگشت میلاد به ویلا دوباره سر و کله شان پیدا می شد و صدایشان را روی سرشان می انداختند. میلاد در حالی که زیر لب غرغر می کرد به سمت انباری رفت .: «با من لج می کنید. اشکالی نداره. خودتان خواستید... به مفت خوری عادت کردید...»

اسلحه اش را برداشت و از انباری بیرون آمد. آن را مسلح کرد و در جایی که دیده نشود روی زمین زانو زد. لوله را به سمت سگ بی صاحب گرفت و نفسش را در سینه حبس کرد. انگشت را روی ماشه گذاشت و آن را چکاند.

سکانس سوم

«کوچه تنگه بله... عروس قشنگه بله... دست به زلفاش.....» ابوالفضل ترک موتور پدر شعر می خواند و غرق در شادی کودکانه اش بود که ناگهان ساکت شد و روی دسته موتور افتاد. پدر به سختی موتور را کنترل کرد تا زمین نخورند. موتور را روی جک یک طرفه گذاشت و دو طرف شانه پسرکش را گرفت و بلند کرد. حس کرد دستانش گرم شد. به دستانش نگاه کرد، مثل روزهایی که با ابوالفضل می رفتند شاتوت خوری، قرمز شده بود. سینه پسرش شکافته بود و لباس سفید ابوالفضل به قرمزی می رفت. پسرک ترسیده بود و به سختی نفس می کشید. «نترس بابا چیزی نیست. خوب می شی الان می رسونمت درمانگاه ...بابا طاقت بیار» با یک دست پسرک را در آغوش گرفته بود و با دست دیگر دسته گاز موتور را می چرخاند. انگار موتور می خواست ناجی پسرک باشد و با سن بالایش مثل موتورسیکلتی صفر می گازید وقتی به درمانگاه رسیدند، ابوالفضل را به اتاق احیا بردند امادیر شده بود و پزشکان بعد از تلاش زیاد گفتند خونریزی زیاد بوده و تلاش هایشان بی فایده ماند.

سکانس چهارم

سمند پاسگاه با چراغ گردان آژیر کوتاهی کشید تا جمعیت را بشکافد و به محل تیراندازی برسد. اهالی روایت های متفاوتی برای این ماجرا داشتند. برخی می گفتند ابوالفضل قربانی کینه شده و عده ای دیگر تیراندازی اشتباهی را علت حادثه می دانستند. آن‌طور که سرهنگ حسین فاضلی فرمانده انتظامی شهرستان دماوند روایت می کند؛ ماموران با بررسی مسیر شلیک به باغی در آن منطقه رسیده و متهم را شناسایی و دستگیر کردند. متهم به قتل پسر بچه ۹ ساله اعتراف کرد و مدعی شد، قصد کشتن سگ های بدون صاحب اطراف ویلا را داشته که گلوله اشتباهی به پسر بچه اصابت کرده و جان باخته است.

به گفته فرمانده انتظامی شهرستان **دماوند، متهم بعد از این تیراندازی با کمک دوستش اسلحه را همراه هفت فشنگ مخفی می کند که با اعترافش پیدا شد.**

سکانس آخر

ظهر دو شنبه ۲۲ تیر ماه، روستای محل حادثه، در نزدیکی شهر دماوند. عکس ابوالفضل بر روی بنری در ورودی روستا خودنمایی می کند. از اهالی سراغ خانواده اش را می گیرم. می گویند، اینجا نگهبان بودند و چندی روزی هست آنها را ندیده اند. با کمک یکی از همبازی های ابوالفضل، خانه شان را پیدا می‌کنم اما کسی در را باز نمی کند. دوست ابوالفضل می گوید: کسی که شلیک کرده از شهر دیگری به اینجا می آمد. آن روز ابوالفضل در حال رفتن به عروسی بود و روی باک موتور پدرش نشسته بود که گلوله به سینه‌اش خورد.

پس از ۴ روز جست‌وجوی امدادگران تلاش‌ها برای یافتن دختر گمشده بی‌نتیجه مانده‌است

معمای گم شدن «سها»

با گذشت چهار روز جست‌وجوی تیم‌های هلال احمر برای یافتن سها بی‌نتیجه مانده‌است

معمای ناپدید شدن دختری طبیعت‌گرد به نام سها که همراه یک تور راهی جنگل‌های منطقه جهان‌نمای گرگان شده بود، هنوز حل نشده و کسی از سرنوشت این دختر ۲۷ ساله خبر ندارد.

به گزارش خبرنگار جام جم، خبر ناپدید شدن ناگهانی دختر ۲۷ ساله به نام سها دو روزی است که در فضای مجازی سر و صدای زیادی به پا کرده و در حالی که روز گذشته در توییتر شایعه پیدا شدن سها منتشر شد، خانواده‌اش به آن واکنش نشان داده و گفتند هنوز هیچ خبری از سرنوشت سها در دست نیست.

سها که به گفته خانواده‌اش عاشق طبیعت است، بارها با تورهای طبیعت‌گردی به مناطق بکر و دست‌نخورده رفته بود. خواهر سها روز گذشته در گفت‌وگو با جام جم گفت: «سها تا به حال بیش از صد سفر آفرودی رفته بود که اغلب آنها را با یک تور که در اینستاگرام پیدا کرده بود می‌رفت. این تور از تورهای معروف و گران‌قیمت آفرود است و سها آن را انتخاب کرده بود که کیفیت سفرهایش بهتر باشد. آخرین سفرش هم به منطقه کردکوی جهان‌نما در نزدیکی گرگان بود. قرار بود دو نفر از دوستان صمیمی‌اش همراهش باشند، اما برای آنها کاری پیش آمد و سها که فقط طبیعت‌گردی برایش مهم بود و همسفر در اولویت بعدی، گفت چون بارها با این تور سفر آفرودی رفته‌ام، این مسافرت را کنسل نمی‌کنم.»

عصر روز جمعه، راهنمای گردشگری توری که سها با آنها همسفر شده بود با برادر سها تماس گرفت و خبر گم‌شدن دختر جوان را به آنها داد: «ساعت حدود ۵ بعدازظهر بود که از تور با برادرمان تماس گرفتند و گفتند سها گم شده است. برادر، پدر و برادرهایم سریع راهی آن منطقه شدند، اما وقتی به آنجا رسیدند همه مسافران تور که با یک اتوبوس راهی محل شده بودند به تهران برگشته بودند و تنها چهار نفر از تورلیدرها که با یک ماشین پاترول به آن منطقه رفته بودند در منطقه مانده بودند. ما انتظار داشتیم، تعدادی از مسافران آنجا بمانند و در مورد این که آخرین بار سها را چه زمانی دیدند توضیح دقیقی به ما بدهند. عده‌ای از آنها قبل از رسیدن خانواده‌ام به ماموران گفته بودند که سها برای رفتن به سرویس بهداشتی و مسواک‌زدن کمی از منطقه اتراق آنها دور شده بود، اما هیچ‌کس صدای جیغ و فریادی از سها نشنیده بود.»

خانواده سها احتمال آدم ربایی را قوی می‌دانند: «با تلاشی که هلال احمر با تجهیزات پیشرفته انجام داده و اثری از سها پیدا نشده، حالا فکر می‌کنیم سها گم نشده و کسی او را ربوده است. ما از مسوولان تور شکایت داریم، چون آنها مسؤول مراقبت از تمام اعضای تور بودند. باید به صورت شیفتی بیدار می‌ماندند و از مسافران مراقبت می‌کردند اما زمانی که سها از محل اتراق دور شده همه خواب بودند. از طرفی صحبت های ضد و نقیضی در مورد ساعت گم شدن سها زده شده که از نظر خانواده ما جای بررسی دارد. ساعت ۱۱ صبح روز جمعه گم شدن سها به هلال احمر اطلاع داده شده و ساعت ۵ بعدازظهر به خانواده اطلاع دادند. مسافران تا ساعت ۴ بیدار بودند و بعد همه خوابیده‌اند. عده‌ای گفتند سها ساعت ۸ صبح از گروه جدا شد و عده ای می‌گویند ساعت جدا شدنش دیرتر بوده است. چرا تا ساعت ۱۱ کسی پیگیر گم شدن او نشد؟ و به هلال احمر زودتر اطلاع ندادند و چرا به خانواده ما دیر خبر دادند؟»

هلال احمر هنوز جست‌وجو می‌کند

تیم های جست‌وجوی هلال احمر عملیات خود را از صبح روز جمعه آغاز کردند و میرکریمی معاون امداد و نجات هلال احمر در گفت‌وگو با جام جم گفت: «عملیات امداد و نجات بی وقفه حتی در شب هم برای پیدا کردن ردی از خانم رضانژاد ادامه داشته است. در اطراف منطقه جنگلی جهان‌نما، پرتگاه‌های عمیقی وجود دارد که با استفاده از پهپاد و هلی شات و پارا موتور آن را گشته‌ایم. امدادگران از سگ‌های زنده‌یاب هم برای جست‌وجو استفاده کرده‌اند و عملیات تیم آفرود و تیم حرفه‌ای سنگ‌نوردی و کوهنوردی همچنان ادامه دارد. منطقه جهان‌نما منطقه گسترده‌ای است اما امدادگران تیم نجات حتی روستای حاجی آباد را هم که فاصله زیادی با جهان‌نما دارد جست‌وجو کرده‌اند اما ردی از دختر جوان به دست نیامده است.»

فرضیه آدم‌ربایی و قتل رد می‌شود

رئیس پلیس آگاهی گلستان که خودش برای بررسی موضوع راهی محل حادثه شده، دیروز فرضیه قتل یا ربوده‌شدن «سها رضانژاد» دختر مفقود شده در ارتفاعات کردکوی را به طور اکید و قوی رد کرد.

سرهنگ مروتی افزود: دو فرضیه سقوط از ارتفاع یا گم‌شدن این بانوی جوان در جنگل مطرح است که برای پیدا کردن وی تمامی توان و امکانات به کار گرفته شده و عملیات امداد و نجات همچنان ادامه دارد.

۳ نفر احضار شدند

دادستان عمومی و انقلاب کردکوی هم در گفت‌وگو با جام جم از تشکیل پرونده ای در این رابطه خبر داد و گفت: سه نفر در این ماجرا احضار شده‌اند اما هنوز فردی بازداشت نشده است.

عزیززاده با بیان این که جست‌وجوی نیروهای هلال احمر و مردم برای یافتن این کوهنورد ادامه دارد، افزود: به علت کرونا به این گروه برای صعود در شهرستان مجوز داده نشده بود اما این گروه غیرقانونی و از مسیرهای فرعی به ارتفاعات جهان‌نما صعود کرده بودند. وی در خصوص رد فرضیه قتل و آدم‌ربایی توسط پلیس تاکید کرد: پرونده در مرحله تحقیقات است و تا زمانی که به نتیجه نرسد هیچ فرضیه‌ای رد نمی شود و تمام فرضیات را بررسی می‌کنیم.

دادستان کردکوی: پرونده در مرحله تحقیقات است و تا زمانی که به نتیجه نرسد هیچ فرضیه‌ای رد نمی شود و تمام فرضیات را بررسی می‌کنیم

تریاک پارتی دزدان در تهران

دزدان خانه اعیانی در شمال تهران با سرقت نیم‌کیلو تریاک و خالی کردن گاوصندوق پیرمرد، برای معتادان تریاک پارتی گرفتند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، عصر یکی از روزهای اوایل خرداد امسال، زن خانواده و دخترش از خانه شان در محله زعفرانیه تهران بیرون رفتند و پدر سالخورده تنها مانده بود. یک ساعت بعد از آن مردی که می گفت همسایه است برای گرفتن جعبه ابزار به مقابل خانه آنها رفت. پدر که در را بازکرد با سه مرد نقابدار که چاقو به دست بودند رو به رو شد. آنها به زور وارد طبقه دوم ساختمان شدند، پیرمرد را کتک زده و دستان و پاهایش را با طناب و چسب بسته و در اتاق زندانی کردند و با تهدید وی متوجه شدند کلید گاوصندوق در طبقه سوم است. یکی از سارقان آنجا رفت و دسته کلید را یافت و نزد همدستانش بازگشت، در ادامه کیفی که در گاوصندوق بود را دزدیدند و فرار کردند. بعد از فرار دزدان، پیرمرد به سختی دستان و پاهایش را بازکرد و با پلیس و خانواده اش تماس گرفت. زمانی که ماموران به آن خانه آمدند، پی بردند که محتویات آن کیف طلا، سکه، گردنبند و ارزهای خارجی از جمله دلار و پوند بوده و ۲۰۰ میلیون تومان ارزش داشته است. با دستور رفیع زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، تحقیقات ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران ادامه یافت و آنها دوربین‌های مداربسته اطراف خانه را که بازبینی کردند، معلوم شد که دو مرد میانسال و یک مرد سالخورده سارقان نقابدار بودند که بعد از سرقت نقابها را برداشته و سوار خودرویی شده و فرار کردند.

دزدان تحت تعقیب پلیس بودند تا اینکه چند روز پیش مالک خودرو بازداشت شد. او منکر سرقت بود اما در مواجهه حضوری با شاکی شناسایی شد و گفت: در کارتولید روغن خودرو بودم اما به خاطر شرایط کرونا کارمان تعطیل شده و بیکار شدم. هشت ماه پیش با داماد خانواده شاکی که کارش آب‌بندی استخر و... بود آشنا شدم و بعد از آن چند باری هم خانه پدرزنش رفتم و او مرا می شناخت. وضع مالی ام بد شده بود. یک ماه قبل از دزدی مان، داماد شاکی سراغم آمد و گفت که با پدرزنش دچار اختلاف هایی شده و می خواهد از وی انتقام بگیرد و پول خوبی بابت دزدی از خانه پیرمرد نصیبمان می شود. دامادشاکی برایم تعریف کرده بود که پدرزنش محموله ۳۰ کیلویی تریاک را در خانه اش پنهان کرده و باید آن را سرقت کنیم و هر چه آن را فروختیم پولش برای خودمان است و خودش سهمی نمی خواهد که قبول کردم. موضوع را با دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و با هم به آنجا رفتیم اما فقط نیم کیلو تریاک پیدا کردیم و مجبور به سرقت از گاوصندوق شدیم. در این مدت تریاک سرقتی را خودمان مصرف کردیم و یک شب هم برای معتادان مهمانی گرفته و به آنها تریاک رایگان دادیم.

با اعتراف وی، دو همدست متهم نیز بازداشت شدند و به جرایمشان اعتراف کردند. این در حالی بود که دامادشاکی نیز مورد تحقیق قرار گرفت و منکر ادعاهای شهروز شد.

حکم مرگ برای قهوه‌چی سلبریتی‌ها

مرد قهوه‌چی که به دلیل حضور سلبریتی‌ها در قهوه‌خانه‌اش مشهور شده بود، به خاطر قتل شریکش به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، مرد ۶۰ ساله سال گذشته در جریان درگیری با شریکش در یک قهوه‌خانه در حوالی تجریش او را با ضربه چاقو کشت. در تحقیقات مشخص شد، این قهوه‌خانه پاتوق سلبریتی‌ها بوده و در فضای مجازی مشهور است.

متهم بعد از قتل تسلیم پلیس شد و گفت: من و دوستم مدت‌ها این قهوه‌خانه را شراکتی اداره می‌کردیم و قرار بود او سهم‌اش را به من واگذار کند اما این کار را نمی‌کرد. روز حادثه به مغازه آمد و جر و بحث کردیم. یک لحظه کنترلم را از دست دادم و یک ضربه چاقو به او زدم. بعد او را به بیمارستان منتقل کردیم و خودم پشیمان شده و تسلیم شدم.

پرونده این جنایت در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد و اولیای دم در این جلسه درخواست حکم قصاص کردند.

با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم پای میز محاکمه قرار گرفت. اولیای دم مقتول که همسر و فرزندانش بودند درخواست قصاص کرده و گفتند: اصلا برایمان باورپذیر نیست چون در واقع ما خانه‌یکی بودیم و درخواست قصاص داریم.

متهم هم در دفاع از خود گفت: من در یک لحظه آنقدر عصبانی شدم که کنترلم را از دست دادم. یک ضربه چاقو هم بیشتر به او نزدم و با این کار شریکم جانش را از دست داد و هرچه فرزندانش بخواهند قبول می‌کنم و می‌خواهم مرا ببخشند. این کار اعتبارم را در میان سلبریتی‌ها از بین برد.

بعد از دفاعیات متهم، قضات وارد شور شده و متهم را به قصاص محکوم کردند.

یادداشت

نقش مهم رسانه در افزایش امنیت جامعه

سردار حسین رحیمی

فرمانده انتظامی تهران بزرگ

در جوامع کنونی، امنیت امر بنیادی و مهمی است که پایه و اساس پیشرفت و توسعه جامعه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به حساب می‌آید. هر چند به دست آوردن آن برای یک جامعه سخت است، در عین حال به راحتی و با کوچک‌ترین اشتباه ممکن است از بین برود و تمام داشته‌های یک ملت را بر باد دهد.

در دنیای امروز که رسانه‌ها نقش مهم و اساسی در انتقال اطلاعات و اخبار دارند، هرگونه اطلاعات منفی و مثبت می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در ثبات جامعه ایفا کند. حتی لحن رسانه‌ها تأثیرات بلندمدت یا کوتاه‌مدت خاص خود را بر افکار عمومی خواهد گذاشت. به‌طور کلی رسانه‌ها می‌توانند کارکردی امنیت‌ساز داشته و در برقراری امنیت اجتماعی و ایجاد یکپارچگی و هماهنگی اجتماعی و وجدان جمعی مؤثر باشند. نحوه برخورد رسانه‌ها با مسائل و بازتاب آن می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی خاص خود را همراه داشته‌باشد، به این صورت هم می‌تواند نظم، یکپارچگی و هماهنگی یک جامعه را هدف قرار دهد و در امنیت آن اخلال ایجاد کند و هم به همبستگی و همکاری و مشارکت هر چه بیشتر نهادها، سازمان‌ها و شهروندان در حل مسائل و اختلافات احتمالی کمکی شایان کند. رسانه‌ها قدرت آن را دارند تا با توجه به هدف خود، اخبار را پایش و با درنظرگرفتن سیاست‌های خاص خود یا اهداف جامعه و کشوری که در آن زندگی می‌کنند، اطلاع‌رسانی کنند.

از کارکردهای اجتماعی رسانه می‌توان به نظارت بر محیط و مربوط کردن بخش‌های مختلف جامعه به یکدیگر در جهت عکس‌العمل مناسب به محیط اشاره کرد. رسانه‌ها می‌توانند در اوضاع کنونی در نقش ادغام کننده و حافظ ارزش‌های مشترک در جامعه، کاهش‌دهنده تشنج‌ها و تنش‌های اجتماعی، بسیج‌کننده یا توصیه‌کننده ظاهر شوند و از این طریق برای بهبود اوضاع کشور به‌خصوص فرهنگ‌سازی، نقشی ویژه ایفا کنند.

به‌طور مثال رسانه‌ها می‌توانند در خصوص شیوع ویروس کرونا به‌طور پیوسته و مفید، جدیدترین و کاربردی‌ترین اخبار و اطلاعات را در دسترس عموم قرار دهند و در نقش توصیه کننده، شهروندان را به رعایت حداکثری بهداشت و همچنین پرهیز از کارهایی که باعث شیوع هر چه بیشتر و انتقال بیماری می‌شود، دعوت کنند. همچنین می‌توانند در نقش کاهش‌دهنده تنش‌ها و تشنج‌های اجتماعی، وضعیت اقتصادی و فشار دشمن متخاصم را به خوبی برای افکار عمومی تشریح کرده و مردم را به همکاری و تعاون در راستای حفظ ارزش پول ملی و پرهیز از خرید بدون دلیل ارز و طلا و حمایت همه‌جانبه از تولیدات ملی دعوت کنند و تک‌تک افراد جامعه را مجاب سازند تا همسو با منافع مشترک شهروندان و اقتصاد کشور، خصوصا در حوزه تولیدات داخلی گام بردارند.

کوتاه از حوادث

قاچاقچیان درختان بلوط با گروگانگیری مسلحانه مامور یگان حفاظت فرار کردند. گزارش‌هایی مبنی بر قطع شبانه درختان جنگلی بلوط در منطقه کوهستانی کهیان، معروف به برفاب در شهرستان لردگان به ماموران یگان حفاظت آنجا اطلاع داده شد. مهاجمان با دیدن ماموران به سوی آنها آتش گشوده و در این درگیری مسلحانه یکی از ماموران یگان حفاظت منابع طبیعی شهرستان لردگان از سوی متهمان گروگان گرفته شد و خودروی سواری حامل چوب غیرمجاز متواری شد. در جریان تحقیقات پلیسی، مامور منابع طبیعی نجات یافت و متهمان فراری تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

تصادف کامیون با خودروی ال۹۰ در بزرگراه شهید بابایی منجر به مرگ یک نفر شد.

ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه دیروز، کامیون ولوو هنگام حرکت در مسیر غرب به شرق بزرگراه شهید بابایی به علت توجه‌نکردن به جلو با قسمت عقب خودروی ال۹۰ برخورد کرد. در این تصادف خودروی سواری منحرف شد و راننده که کمربند ایمنی نداشت به بیرون پرت شده و سر او به گاردریل اصابت کرده و فوت شد.